

نقد کتاب کاربرد پیکره در تحلیل گفتمان

آتوسا رستم‌بیک تفرشی*

محمد عارف امیری**

چکیده

کاربرد پیکره در تحلیل گفتمان نوشته پاول بیکر (۲۰۰۶) توسط انتشارات کانتینیوم (لندن و نیویورک) در ۲۰۷ صفحه منتشر شده است. کتاب بر دو موضوع اصلی و ایجاد ارتباط بین آن‌ها متمرکز است: تحلیل گفتمان و زبان‌شناسی پیکره‌ای. تحلیل گفتمان که ماهیتی میان‌رشته‌ای دارد، در سال‌های اخیر مورد توجه بسیاری از زبان‌شناسان به‌ویژه پژوهشگران علاقه‌مند به مباحث جامعه‌شناسی زبان بوده است. پیکره زبانی مجموعه‌ای از متن‌های نوشتاری یا گفتاری است که می‌توان برای توصیف و تحلیل زبان از آن بهره گرفت. تحلیل پیکره‌های زبانی که معمولاً با استفاده از رایانه انجام می‌شود، می‌تواند بسیار جامع باشد و حقایق متنی را پوشش دهد. بیکر در این کتاب نشان می‌دهد می‌توان یک تحلیل مناسب از عناصر زبان-شناختی را با یک تعبیر اجتماعی انتقادی از این مشخصه‌ها تلفیق کرد. از جمله نقاط قوت کتاب شرح جنبه‌های روش‌شناختی، استفاده از نمونه‌های عینی، شرح مراحل کار با استفاده از تصویر و نمودار و شرح امتیازات و نقاط ضعف استفاده از روش پیشنهادی می‌باشد. روش‌های تحلیل متنوع معرفی شده در این کتاب می‌توانند در تحلیل گفتمان پیکره-بنیاد استفاده شوند. در این مقاله، علاوه بر معرفی کتاب، نقاط قوت و ضعف کتاب واکاویده می‌شود و به این منظور نقدهایی که بر این کتاب نوشته شده‌اند نیز مرور می‌شود.

کلیدواژه‌ها: نقد کتاب، کاربرد پیکره در تحلیل گفتمان، زبان‌شناسی پیکره‌ای، تحلیل گفتمان (انتقادی)

* استادیار پژوهشکده زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، (نویسنده مسؤل)

atoosa.rostambeik@gmail.com

** دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، aref.amiri@outlook.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۴/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۶/۲۵

۱. مقدمه

اصطلاح «تحلیل گفتمان» نخستین بار در سال ۱۹۵۲ در مقاله‌ای از زبان‌شناس معروف انگلیسی زلیگ هریس (Harris, 1952) به کار رفته است (Schiffirin, 1994: 20). هریس در این مقاله دیدی صورت‌گرایانه از جمله به دست داده و اصطلاح تحلیل گفتمان را برای تحلیل متن بالاتر از سطح جمله به کار برده است. از دید هریس تحلیل گفتمان یعنی ادامه رویکرد زبان‌شناسی توصیفی اما در حدی فراتر از جمله (Harris, 1852: 1). بر همین اساس زبان‌شناسان ساختگرا گفتمان را مجموعه‌ای از جملات می‌دانند که با یکدیگر رابطه ساختاری دارند. به عنوان مثال، استابز (Stubbs, 1983: 1) گفتمان را «زبان و رای جمله و بند» تعریف می‌کند. به عقیده این زبان‌شناسان مطالعه واحدهای کوچک‌تر از سطح جمله وظیفه دستور زبان و مطالعه واحدهای بزرگ‌تر از سطح جمله وظیفه تحلیل گفتمان است (سلطانی، ۱۳۸۷: ۲۴). کنشگران اجتماعی پاره گفته و کنش گفتاری را در خلأ تولید نمی‌کنند و هیچ‌یک از این دو در انزوا اتفاق نمی‌افتد (Hymes, 1974). به نظر می‌رسد عدم توجه زبان‌شناسان ساخت‌گرا به بافت نقطه‌ضعف ایشان در تعریف زبان و گفتمان باشد. دیدگاه زبان‌شناختی دیگر به تحلیل گفتمان، دیدگاه نقش‌گرا است (قجری و نظری، ۱۳۹۲: ۳۸). با گسترش نقش‌گرایی در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی، عده‌ای از زبان‌شناسان، مفهوم بافت را نیز وارد تحلیل گفتمان کردند و گفتمان را به‌مثابه زبان در بافت کاربردی آن در نظر گرفتند. با اینکه زبان‌شناسی یکی از سرچشمه‌های تحلیل گفتمان بوده است، اما تحلیل گفتمان در زبان‌شناسی متوقف نمی‌ماند. در واقع این متفکران تحلیل گفتمان را بیشتر در قالب تحلیلی انتقادی بسط و گسترش دادند؛ بنابراین، همان‌طور که آقا گل‌زاده (۱۳۸۶) نیز بیان کرده است، رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی سیری تکوینی از تحلیل گفتمان در مطالعات زبان‌شناختی است که تحلیل گفتمان را به لحاظ نظری و روش‌شناختی از سطح توصیف متون به سطح تبیین ارتقاء داده است و به لحاظ محدوده تحقیق نیز تحلیل گفتمان از سطح بافت موقعیت به سطح کلان یعنی جامعه، تاریخ و ایدئولوژی گسترش یافته است.

در سال‌های اخیر استفاده از روش‌شناسی زبان‌شناسی پیکره‌ای در بررسی‌های زبانی رشد فزاینده‌ای داشته است. در همین راستا به‌کارگیری روش‌شناسی پیکره‌ای در تحلیل گفتمان در دهه گذشته مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. در این روش پیکره زبانی یعنی حجم بسیار زیادی از داده‌های نوشتاری یا گفتاری که می‌توان در توصیف و تحلیل زبان از آن بهره گرفت به همراه ابزارهای تحلیل پیکره به نحوی به کار گرفته

می‌شوند که الگوهای زبانی متون را آشکار کنند. به این وسیله شیوه‌های به‌کارگیری زبان به منظور شکل بخشیدن به گفتمان و حتی واقعیات مشخص می‌گردد. تحلیل گفتمان انتقادی از سوی برخی از صاحب‌نظران با انتقادات تندی نظیر تمرکز بر روی حجم محدود متن، انتخاب عامدانه داده‌های تحلیل، ضد تجربی (anti-empirical) بودن و تحلیل‌های متعصبانه روبه‌رو شده است. با وجود این، از سال ۱۹۹۵ با آغاز پژوهش هاردت-ماتنر (Hardt-Mautner)، رهیافتی جایگزین برای تحلیل گفتمان پیشنهاد شد؛ رهیافتی که به ترکیب تحلیل خودکار و کیفی به منظور کشف الگوهای زبانی موجود در پیکره‌ای عظیم، تمرکز داشت. رهیافتی این‌چنین توانایی ترکیب شدن با روش‌های سنتی تحلیل متن که اغلب در تحلیل گفتمان صورت می‌پذیرند را دارا بود. روش‌شناسی زبان‌شناسی پیکره‌ای می‌تواند نقش مهمی در پژوهش‌های تحلیل گفتمانی ایفا کند. به اعتقاد ماتنر (Mautner, 2009: 123) استفاده‌ای رویکرد تحلیل گفتمان پیکره‌ای سه مزیت عمده دارد: ۱. کار با حجم زیادی از داده‌ها، ۲. کاهش تعصب محقق و ۳. تلفیق تحلیل کمی و کیفی.

بیکر (Baker, 2006: 6) عنوان می‌کند که تا این اواخر تحلیل‌گران گفتمان علاقه چندانی به استفاده از پیکره نداشتند. نویسنده کتاب درباره‌ی به‌کارگیری پیکره در تحلیل گفتمان این‌گونه می‌گوید که خود نسبت به استفاده از پیکره در تحلیل گفتمان احساس‌هایی چون علاقه، عدم علاقه و حتی خشم را تجربه کرده است و این کتاب با این هدف نگاشته شده است که نشان دهد روش‌های پیکره-بنیاد می‌توانند نقش مهمی در کنار روش‌های سنتی و به عنوان مکملی برای تحلیل گفتمان ایفا کنند. به اعتقاد بیکر (Baker, 2010: 123) تحلیل پیکره‌بنیاد گفتمان و ایدئولوژی روشی بسیار قدرتمند است، اما هدف آن تقویت کردن تحلیل کیفی در مقیاس کوچک است و نه جایگزین کردن خود بجای آن؛ زیرا همان‌گونه که فاولر و کرس (Fowler & Kress, 1979: 197) اشاره کرده‌اند: «هیچ روش تحلیلی وجود ندارد که روی یک متن اجرا شود و در انتها به صورت خودکار توصیفات انتقادی به دست آیند». در نتیجه با تلفیق دو رویکرد زبان‌شناسی پیکره‌ای و تحلیل گفتمان انتقادی می‌توان حجم زیادی از داده‌ها را به گونه‌ای مورد بررسی قرار داد که تحلیل‌های انجام‌شده نه صرفاً کمی و آماری باشند و نه بر پایه تعداد محدودی از داده‌های متنی که به شیوه‌ای گزیده شده‌اند تا با نظرات پژوهشگر هم‌خوانی داشته باشند.

۲. جامعیت صوری اثر

کتاب کاربرد پیکره در تحلیل گفتمان در ۲۰۷ صفحه تنظیم شده است. طرح روی جلد کتاب که قطعاتی بیرون کشیده شده از متون مختلف است، یادآور پیکره‌های زبانی و به عبارتی نمونه‌های عینی کاربرد زبان است و با موضوع کتاب همخوانی دارد. متون بریده شده در زمینه‌ای از رنگ سبز و آبی و بنفش قرار گرفته است که تداعی‌کننده اهمیت بافت در تعبیر عناصر زبانی است. کتاب با مقدمه ناشر شروع می‌شود. در این مقدمه اهمیت مطالعه گفتمان شرح داده می‌شود و به هدف انتشارات کانتینیوم از انتشار مجموعه گفتمان اشاره می‌شود. همچنین، عنوان و نویسنده سایر کتاب‌هایی که در قالب این مجموعه قرار است چاپ شود، معرفی شده‌اند. فهرست مطالب به صورت تفصیلی ارائه شده است. با وجود این، در فهرست مطالب فهرست جدول‌ها، نمودار و تصاویر ارائه نشده است. کتاب مشتمل بر هشت فصل است. فصل دوم تا هفتم، با مقدمه آغاز می‌شوند. در انتهای برخی از فصل‌ها بخش نتیجه‌گیری وجود دارد و در فصل‌هایی که روش تحلیل جدیدی معرفی شده است، در پایان پس از نتیجه‌گیری راهنمای گام‌به‌گام تحلیل با توجه به مطالب مطرح شده در آن فصل قرار گرفته است. این بخش به منظور مرور مطالب مطرح شده بسیار مفید است. پایانی‌ترین بخش هر فصل یادداشت‌ها است که توضیحات اضافه‌ای در رابطه با مباحث مشخص شده در متن ارائه می‌دهد. فهرست منابع کلی در پایان کتاب ارائه شده است. فهرست نمایه نیز برای اسامی و اصطلاحات به‌طور جداگانه ارائه نشده است. عناوین فصل‌های کتاب به این شرح هستند: فصل اول: مقدمه، فصل دوم: ساخت پیکره، فصل سوم: فراوانی و پراکندگی، فصل چهارم: واژه‌نما، فصل پنجم: هماینها، فصل ششم: فراسوی هماینها، فصل هفتم: کلیدواژه بودن و فصل هشتم: نتیجه‌گیری.

صفحه‌آرایی کتاب مناسب است. اصول نگارشی به‌خوبی رعایت شده‌اند. نویسنده از تمام امکانات تایپی و نگارشی برای شرح موضوع استفاده کرده است. نشان دادن مراحل کار با استفاده از تصویر، استفاده به‌جا از جدول و نمودار، تغییر اندازه، ضخامت و شکل فونت، استفاده از علائم سجاوندی برخی از مواردی است که در کل کتاب به‌خوبی از آن‌ها بهره گرفته شده است. ارجاعات درون‌متنی با دقت ذکر شده‌اند و از منابع ارزشمند، معتبر و روزآیند در کل اثر استفاده شده است. بیکر مفاهیم موردنظر و روش تحلیل را با شرح نمونه‌هایی از پژوهش‌های انجام شده به شیوه‌ای روشن و عینی

شرح می‌دهد. با وجود این، کتاب فاقد کتاب‌نامه یا معرفی منابع برای مطالعه بیشتر است.

۲. جامعیت محتوایی اثر

در فصل اول که مقدمه نام دارد نویسنده علاوه بر ارائه پیشگفتاری که در آن به اهداف وی از نگارش چنین کتابی و نیز به مخاطب کتاب اشاره شده است، به تعریف مفاهیم کلی چون زبان‌شناسی پیکره‌ای و تحلیل گفتمان نیز می‌پردازد. به این ترتیب، کتاب فاقد پیشگفتار و یا مقدمه‌ای جداگانه می‌باشد و نویسنده در آغاز فصل اول که خود مقدمه‌ای بر کتاب است، به مواردی که غالباً در پیشگفتار و یا مقدمه یک کتاب ذکر می‌شود، اشاره کرده است. در این مقدمه، نویسنده به هدف کتاب و اهمیت آن در مرتبط کردن دو حیطه‌ای که در ظاهر وجه اشتراک زیادی ندارند، اشاره می‌کند. وی مخاطب اصلی کتاب را زبان‌شناسی می‌داند که می‌خواهد از پیکره برای تحلیل استفاده نماید و نه لزوماً یک متخصص زبان‌شناسی پیکره‌ای، هرچند که معتقد است مطالب می‌تواند برای گروه دوم نیز مفید واقع شود. در عین حال، به این نکته اشاره می‌کند که چون این کتاب نقش پل ارتباط‌دهنده بین دو حیطه متفاوت را ایفا می‌کند، باید به هر دو گروه مخاطب توجه نشان داده شود. مخاطبی که تحلیل گفتمان را می‌شناسد و با زبان‌شناسی پیکره‌ای بیگانه است و بالعکس. به این ترتیب، خواننده را از این موضوع آگاه می‌کند که ممکن است بخشی از مطالب برای خواننده آشنا با هر یک از این دو حیطه تکراری باشد. پس از این مقدمه کوتاه تعریف مفاهیم اصلی مرتبط با هر حیطه با قلمی شیوا و با زبانی ساده و به‌دوراز پیچیدگی شرح داده می‌شود. زبان‌شناسی پیکره‌ای، گفتمان، تغییر جهت به پساساخت‌گرایی، امتیازهای رویکردهای پیکره‌بنیاد، بعضی نکات درخور توجه، ساختار کتاب و یادداشت‌ها عناوین اصلی فصل اول کتاب هستند.

بیکر در انتهای فصل اول، ساختار کتاب را شرح می‌دهد و به دو هدف اصلی این کتاب اشاره می‌کند: معرفی انواع روش‌های تحلیلی که می‌توان در تحلیل گفتمان پیکره‌بنیاد استفاده کرد و اینکه چطور در عمل برای تحلیل داده‌های مختلف قابل‌استفاده هستند. در عین حال به اهمیت ارائه مثال‌های واقعی در درک بهتر موضوع اشاره می‌کند و همین امر را دلیل گنجاندن پژوهش‌های گوناگون موردی در کتاب به جای بحث‌های انتزاعی معرفی می‌کند.

همچنین، متن‌ها، موضوعات و روش‌هایی که در این کتاب استفاده شده است در قالب جدول در انتهای فصل اول ذکر شده‌اند. انواع متن و موضوعات مطرح‌شده و روش پرداختن به آن‌ها به این شرح هستند:

جدول ۱- متن‌ها، موضوعات و روش‌های تحلیل مورد استفاده در کتاب بیکر (۲۰۰۶: ۲۳)

فصل	نوع متن	موضوع	روش‌های اصلی پرداختن به موضوع
۳	بروشور تعطیلات	جوانان/ مصرف الکل	فهرست‌های بسامدی، خوشه‌ها، نقشه پراکنندگی
۴	مقاله روزنامه	پناهندگان	واژه‌نما
۵	پیکره کلی	مجردها	باهم‌آیی
۶	مناظره	شکار روباه	کلیدواژه
۷	پیکره کلی	ادعاهای تجاوز	تحلیل اسم‌سازی، وجه‌نمایی، اسناد و استعاره

در فصل دوم انواع پیکره و نیز چگونگی ساخت آن‌ها معرفی شده است. به این منظور، مسائلی که به چگونگی ساخت یک پیکره جدید و یا انتخاب یک پیکره به منظور انجام تحلیل‌های گفتمانی بر روی آن مربوط به است، شرح داده شده‌اند. مفاهیمی نظیر انواع پیکره (تخصصی، درزمانی و مرجع)، حجم و نمایاننده (representativeness) بودن پیکره، شیوه‌های گردآوری داده‌ها از منابع مختلف نظیر نوشتاری و دیجیتالی، به همراه برخی از نکاتی که به گونه‌های مختلف متون اعم از نوشتاری و گفتاری مربوط می‌باشد، از جمله مباحث مطرح در این فصل است. همچنین، مسائلی نظیر اجازه‌نامه‌ها، حق نشر، برجسب‌دهی و اعتبار پیکره‌ها نیز توضیح داده شده‌اند. هر یک از این مفاهیم با بهره‌گیری از مثال و در عمل معرفی شده و کاربرد آن‌ها به شیوه‌ای عملی مشخص گردیده است. بیکر از تصاویر برای نشان دادن مفاهیم معرفی شده استفاده نموده است. این امر موجب شده است تا مخاطب با مشاهده فرایندهای تهیه پیکره در عمل آشنا شود و در نتیجه فراگیری فرایندهای تهیه و شکل‌گیری پیکره برای وی ساده‌تر باشد. در انتها پس از معرفی و شرح این مفاهیم به این نکته اشاره شده است که بسیاری از پژوهش‌ها احتیاج به ایجاد پیکره‌ای مجزا ندارند، بلکه می‌توان از بخشی از پیکره‌های از

پیش موجود برای انجام بررسی‌های تحلیل گفتمانی بهره جست به شرط آن‌که برخی از شروط در گزینش از پیکره اصلی رعایت شوند.

در فصل سوم اهمیت بسامد به عنوان یک ابزار تحلیل بنیادی در زبان‌شناسی پیکره‌ای شرح داده می‌شود. در این فصل بیکر چگونگی تحلیل و تفسیر نتایج به دست آمده از فهرست بسامدی داده‌های پیکره را توضیح می‌دهد. از جمله مفاهیم دیگری که در فصل سوم به آن‌ها اشاره شده است و می‌توانند در تحلیل گفتمان مورد استفاده قرار گیرند خوشه‌ها (cluster)، نقشه پراکندگی (dispersion plot) و بسامد دموگرافیک (demographic frequency) می‌باشند که نحوه استفاده از هر کدام از این مفاهیم در قالب یک مثال شرح داده شده است. از دیگر مفاهیمی که در این فصل به آن‌ها اشاره می‌شود، می‌توان به نسبت نوع (type) به گونه (token) و اهمیت این نسبت در تحلیل گفتمان و همچنین بن‌واژه‌ها (lemma) اشاره کرد. بن‌واژه‌های پربسامد نشان‌دهنده مفاهیم بااهمیت در یک پیکره می‌باشند. بیکر به منظور نشان دادن کاربرد بسامد و دیگر ابزارهای معرفی شده در این فصل که در تحلیل گفتمان نیز کاربرد دارند، پیکره‌ای کوچک از متون بروشور تعطیلات را با استفاده از نرم‌افزار ورد اسامیت تحلیل نموده است. برخی از مراحل تحلیل در قالب تصاویر به نمایش گذاشته شده‌اند. این امر به مخاطب در جهت فراگیری هرچه بیشتر فرایند تحلیل یاری می‌رساند. به اعتقاد بیکر بسامد رخدادهای عناصر زبانی مفهومی سودمند در تحلیل گفتمان می‌باشد. با وجود این، کارایی آن با محدودیت‌هایی نظیر عدم توجه به بافت و بررسی واژه‌ها در انزوا روبروست. کاربرد اصلی بسامد، نشان دادن جنبه‌های رایج در یک پیکره و یا متن می‌باشد و به این ترتیب، می‌تواند بیانگر گزینش‌های واژگانی مؤلف آن متن باشد. این امر می‌تواند به عنوان بازنمود گفتمانی خاص و یا نوعی تلاش برای شکل‌دهی به هویت تعبیر شود.

فصل چهارم بار دیگر با معرفی نقاط ضعف پژوهشی که صرفاً مبتنی بر بسامد و تحلیل کمی باشد آغاز شده است. پس از آن مفهوم اصلی مطرح در این فصل یعنی فهرست واژه‌نما معرفی می‌شود. در ادامه چگونگی تحلیل گفتمان بر پایه فهرست‌های واژه‌نما و مشارکت این ابزار در بهره‌گیری از بافت به منظور تحلیل شرح داده شده است. به اعتقاد بیکر در تحلیل گفتمان بجای تکیه بر یکی از دو روش تحلیل کمی یا کیفی باید رویکردی را اتخاذ نمود که هر دو نوع تحلیل را دربر گیرد. بیکر فهرست واژه‌نما را یکی از مؤثرترین روش‌ها و ابزارهایی می‌داند که هدف فوق را محقق می‌نماید. در

تحلیل بر پایه فهرست واژه‌نما بافت زبانی نیز بخشی از تحلیل می‌باشد و در نتیجه پژوهشگر می‌تواند بجای تکیه بر واژه‌های مجزا، از شیوه کاربرد واقعی آن‌ها در متن به منظور تحلیل گفتمان استفاده نماید. شیوه‌های گوناگون مرتب کردن نتایج فهرست واژه‌نما، الگوهای معنایی واژه‌ها که می‌توانند نشانگر نگرش‌ها و ارزیابی افراد باشند و همچنین مفاهیمی نظیر طنین گفتمانی (discourse prosody) و ترجیح معنایی (preference semantic) از دیگر موضوعاتی می‌باشند که در قالب بررسی یک پیکره شرح داده شده‌اند. در این فصل نیز همانند فصل پیش از نرم‌افزار ورداسمیت برای تحلیل پیکره متون روزنامه‌ها که مربوط به گفتمان پناهندگی می‌باشند، استفاده شده است. در هر مرحله از تحلیل با ارائه تصاویری از شیوه کار و جدول‌هایی از نتایج تحلیل، مفاهیم کلیدی فصل در اختیار مخاطب قرار داده شده است.

فصل پنجم به معرفی مبحث باهم‌آیی اختصاص داده شده است. این فصل با معرفی برخی ایرادات تحلیل بر پایه نتایج فهرست واژه‌نما شروع شده است. از جمله انتقاداتی که بیکر در ارتباط با این نوع تحلیل مطرح نموده است، گنج‌کننده بودن نتایج برای محقق کم تجربه و نیز احتمال وجود خطوط واژه‌نمای فراوان به عنوان خروجی به دست آمده از پیکره می‌باشد که این امر خود محقق را در کشف و فهم الگوهای موجود دچار مشکل می‌سازد. بیکر تحلیل بر پایه باهم‌آیی را پاسخی به این انتقادات می‌داند و دو دلیل برای کارایی باهم‌آیی معرفی می‌کند: نخست آن‌که موجب متمرکز شدن تحلیل می‌شود، خصوصاً زمانی که خطوط واژه‌نمای فراوان موجود می‌باشد و قصد آشکار کردن الگوهای واژگانی را داریم؛ همچنین به دلیل آنکه ملموس‌ترین و برجسته‌ترین الگوهای پیرامون یک موضوع را به دست می‌دهد می‌تواند منجر به کشف گفتمان‌های مختلف گردد. به این منظور در این فصل پس از تشریح شیوه‌های مختلف محاسبه و استخراج باهم‌آیی‌ها از پیکره، چگونگی تحلیل باهم‌آیی‌ها با هدف کشف گفتمان‌های موجود و بررسی شبکه‌های باهم‌آیی شرح داده شده است. در فصل پنجم نیز مانند فصل‌های پیش مفاهیم تازه و روند انجام تحلیل با کمک مثال و در عمل شرح داده شده‌اند. مؤلف برای بررسی موضوع افراد مجرد و نمایش چگونگی انجام تحلیل گفتمان پیکره‌ای با کمک باهم‌آیی‌ها از پیکره بی ان سی (British National Corpus) استفاده کرده است و نتایج جستجو و تحلیل را در قالب تصویر، جدول و نمودار در اختیار مخاطب قرار داده است. در پایان این فصل پس از نتیجه‌گیری، مراحل گام‌به‌گام تحلیل باهم‌آیی‌ها به صورت خلاصه در اختیار خواننده قرار گرفته است.

فصل ششم به معرفی یکی از مفاهیم محوری در تحلیل گفتمان پیکره‌ای یعنی کلیدواژه اختصاص یافته است. به این منظور، در ابتدای فصل بار دیگر به مزیت‌ها و کاستی‌های مفهوم بسامد و فهرست‌واژه‌های به دست آمده بر اساس بسامد به عنوان ابزاری برای تحلیل اشاره شده است. مؤلف با کار بر روی دو پیکره متشکل از مناظره‌های موافق و مخالف شکار روباه در مجلس عوام بریتانیا سعی می‌کند شیوه تحلیل گفتمان بر پایه کلیدواژه را شرح دهد. برای مقایسه دو فهرست‌واژه با پیکره مرجع و تهیه کلیدواژه‌ها از نرم‌افزار ورداسمیت استفاده شده است. مراحل کار با نرم‌افزار و نیز شیوه تحلیل کلیدواژه‌ها نیز در قالب تصویر، جدول و نمودار در اختیار خواننده قرار داده شده است. در این فصل ابتدا مفهوم کلیدواژگی (keyness) و شیوه‌های آماری مورداستفاده برای به دست آمدن ارزش کلیدواژگی یک واژه معرفی شده است. سپس مفاهیمی نظیر خوشه‌های کلیدی و مقوله‌های معنایی و دستوری کلیدی از طریق بررسی و مقایسه دو پیکره فوق معرفی شده‌اند. به اعتقاد بیکر فهرست کلیدواژه‌ای ابزاری مناسب جهت مشخص نمودن تفاوت‌های واژگانی موجود میان متون مختلف می‌باشد. با این حال نباید توجه به واژه‌های مختلف به حدی باشد که جنبه‌های اشتراک میان متون و نیز کاربرد این واژه‌ها در متن نادیده انگاشته شود. همچنین، با وجود آنکه تحلیل کلیدواژه‌ای گفتمان به صورتی عینی واژه‌های برجسته یک متن را مشخص می‌کنند، پژوهشگر نیز باید معیارهای خاصی را برای مشخص نمودن سطوح این برجستگی اتخاذ کند. در نتیجه اینکه پژوهشگر چگونه نتایج به دست آمده از این گونه تحلیل‌های آماری را تفسیر کند، موضوع مهمی در پژوهش‌های پیکره بنیاد می‌باشد.

مؤلف در فصل هفتم برخلاف فصول پیش که تحلیل‌های انجام‌شده پیرامون واژه‌ها (پربسامد، کلیدواژه، خوشه و باهم‌آیی‌ها) صورت می‌پذیرفت، قصد دارد تا بر روی ویژگی‌های دستوری به منظور تحلیل گفتمان متمرکز شود. با وجود این خود اذعان دارد که ویژگی‌های دستوری و واژگانی در پیوند با یکدیگر قرار دارند. به گفته بیکر بررسی الگوهای دستوری موجود در پیکره در مقایسه با بررسی‌های واژگانی به صرف دقت و زمان بیشتری نیازمند می‌باشد. به این ترتیب رهیافت پیکره‌ای به تحلیل گفتمان صرفاً به بررسی‌های واژگانی محدود نمی‌شود. ویژگی‌های دستوری که بیکر با استفاده از تحلیل پیکره‌ای قصد بررسی آن‌ها را دارد اسم‌سازی (nominalization)، وجه نمایی (modality)، اسناد (attribution) و استعاره (metaphor) می‌باشند که از سوی فرکلاف (Fairclough, 1989: 122) به عنوان بخشی از بررسی‌های دستوری جهت تحلیل

گفتمان انتقادی متون معرفی گردیده‌اند. برخلاف فصول پیش این بار به‌جای بررسی گروه‌های اجتماعی یا موضوعات سیاسی تمرکز تحلیل بر روی یک بن‌واژه خاص (ALLEGE) و صورت‌های مختلف آن می‌باشد. به منظور تحلیل گفتمان پیکره‌ای در سطح دستور ابتدا هر یک از مفاهیم اسم‌سازی، وجه‌نمایی، اسناد و استعاره با استناد به منابع گوناگون تعریف شده‌اند. سپس، روند تحلیل هر کدام از این مقوله‌های دستوری با بررسی پیکره بی‌ان سی در عمل شرح و در قالب جدول‌های گوناگون نمایش داده شده است.

فصل هشتم که فصل پایانی این کتاب است به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری مباحث و مفاهیم مطرح‌شده در فصول پیش اختصاص یافته است. به این منظور، در ابتدا چهار نکته اصلی که در بررسی پیکره‌بنیاد زبان و گفتمان آشکار گردیده‌اند و باید مورد توجه قرار گیرند به این شرح ارائه شده‌اند: ۱- تحلیل گفتمان پیکره بنیاد صرفاً رهیافتی کمی نیست و هر مرحله از آن نیازمند تصمیم‌گیری و گزینش‌های انسانی بسیار می‌باشد؛ ۲- تحلیل گفتمان پیکره بنیاد پژوهشگر را به ورای فهرست‌های بسامدی ساده می‌برد؛ ۳- نگرش‌ها و در نتیجه گفتمان‌ها از طریق مواجهه تجمعی مادام‌العمر ما با الگوها و انتخاب‌های زبانی در درون زبان قرار می‌گیرند؛ ۴- ما اغلب نسبت به الگوهای زبانی که در طول زندگی مان با آن‌ها مواجه می‌شویم، آگاهی نداریم اما پیکره در شناسایی این الگوها مفید می‌باشد. در ادامه این فصل هر یک از مفاهیم مطرح‌شده در کتاب در طی فصول گذشته به صورتی اجمالی و در قالب دو بخش تهیه پیکره و تحلیل پیکره مرور شده‌اند.

عدم تناسب در پرداختن به برخی مفاهیم می‌تواند به عنوان نقطه‌ضعفی برای این اثر مطرح شود. به عنوان نمونه می‌توان به طرح جزئیات غیرضروری در مبحث تحلیل آماری و روش‌های به دست آمدن خروجی داده‌ها با استفاده از امکانات کلیدواژه‌ها و نیز باهم‌آیی واژه‌ها در مقابل توصیفی مختصر از مفاهیم کلیدی و مهم‌تر نظیر برچسب‌های متنوع دستوری، نقشی و معنایی، مفاهیمی نظیر فهرست بن‌واژه و نحوه انتخاب آن‌ها اشاره کرد. علاوه بر این، با توجه به نقش و اهمیت ابزارهای تحلیل پیکره در روش‌های معرفی شده در کتاب کاربرد پیکره در تحلیل گفتمان، ضرورت اختصاص یک مبحث به شرح ویژگی‌ها، مزیت‌ها و نقاط ضعف چنین ابزارهایی احساس می‌شود. با توجه به اینکه هیچ‌یک از عنوان‌های اصلی یا فرعی به معرفی این ابزارها اختصاص داده نشده است، با مشاهده فهرست مطالب نیز نمی‌توان دریافت که کدام ابزار در

تحلیل‌های کتاب به کار گرفته شده است، در حالی که وجود چنین مبحثی می‌توانست به غنای مطالب بیفزاید.

در عین حال، کیم (Kim, 2007) معتقد است که «یکی از نقاط ضعف این کتاب عدم ارائه اطلاعات کافی در حیطه تحلیل گفتمان است و همان‌طور که بیکر خود در فصل مقدماتی کتاب اشاره می‌کند تحلیل گفتمان را می‌توان از منظرهای مختلف انجام داد و همین امر هم به شیوه‌های متنوع و گوناگون تعبیر این حیطه منجر شده است؛ بنابراین مخاطبینی که دانش پیشین کافی درباره تحلیل گفتمان ندارند ممکن است تعریف دقیقی از تحلیل گفتمان به دست نیاورند. اگر در بخش‌های مختلف کتاب به رویکردهای مختلف تحلیل گفتمان نیز اشاره شده بود (مانند: مطالعه کاربرد زبان، مطالعه ساختار زبان فراتر از جمله، مطالعه کارکردهای اجتماعی)، مخاطب می‌توانست بین رویکردها و یک روش خاص پیکره‌ای ارتباط ایجاد کند (به عنوان نمونه، چه متونی تحلیل شوند، چطور تحلیل شوند، و چگونه نتایج به کار گفته شوند). علاوه بر این، هنگامی که بیکر نتایج این تحلیل را ارائه می‌دهد، کاربرد برنامه‌های رایانه‌ای را تنها به نرم‌افزار ورداسمیت و بی‌ان‌سی‌وب (BNCWeb) محدود می‌کند. اگر انتخاب برنامه یا نرم‌افزار خاص بر مبنای نقاط قوت آن برنامه انجام می‌شد و نرم‌افزارهای دیگری را نیز در برمی‌گرفت، می‌توانست مفیدتر واقع شود. با این پیش‌فرض که مخاطبین از پیش دانشی درباره پیکره ندارند، بیکر اطلاعات ارزشمندی را درباره انواع روش‌های مبتنی بر پیکره زبانی شامل باهم‌آیی‌ها، کلیدواژه و ... ارائه می‌دهد. علاوه بر این تحلیل‌های گوناگونی را بر مبنای موضوعات متفاوتی انجام می‌دهد و به این ترتیب نتایج ارائه شده در فصل-های مختلف بسیار جالب توجه است. در نهایت، کتاب کاربرد پیکره در تحلیل گفتمان تلاشی موفق برای تشویق پژوهشگران به استفاده از روش‌های پیکره‌ای در مطالعات گفتمانی می‌باشد» (Kim, 2007).

۳. نقد روش شناختی اثر

کتاب کاربرد پیکره در تحلیل گفتمان به خوبی توانسته است رسالتی را که نویسنده در مقدمه به آن اشاره کرده است، به جا آورد. به عبارتی، این کتاب به لحاظ روش شناختی چگونگی تلفیق دو حیطه تحلیل گفتمان و زبان‌شناسی پیکره‌ای را به خوبی شرح می‌دهد و مفاهیم کلیدی در این حیطه را با نثری سلیس و روان معرفی می‌کند. استفاده مناسب از جدول، نمودار و تصویر از نقاط قوت این کتاب است که موجب می‌شود

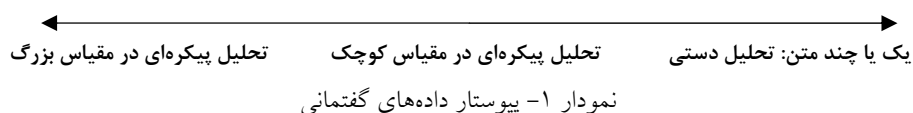
کتاب به عنوان دستنامه‌ای کاربردی و یک کتاب درسی نیز قابل استفاده باشد. از جمله نقاط قوت کتاب می‌توان به این موارد اشاره کرد: نویسندگان جنبه‌های روش‌شناختی مطالعات پیکره‌ای را به‌طور کامل پوشش می‌دهد، نمونه‌هایی از گفتمان‌هایی با موضوعات جالب توجه را ارائه می‌کند، تحلیل‌ها به‌خوبی شرح داده شده‌اند و به نقاط قوت و ضعف تحلیل پیکره‌ای اشاره شده است در این کتاب روش‌های تحلیل متنوعی معرفی می‌شوند که می‌توانند در تحلیل گفتمان پیکره-بنیاد به‌کار گرفته شوند.

بیکر خود در توجیه استفاده از پیکره در تحلیل گفتمان می‌گوید «در حالی که دیدگاه-های قدیمی‌تر تجربی به پژوهش غالباً به دنبال حذف تعصب (bias) پژوهشگر به نفع تجربه‌گرایی و عینیت بود، رهیافت‌های جدیدتر و پسانوگرا این موضوع را مطرح می‌کنند که پژوهشگر بی‌تعصب خود نیز محصول «نوعی گفتمان علم است که شیوه خاصی از زندگی بر مبنای آن شکل می‌گیرد (Burr, 1995)» است. به باور بیکر، عینیت غیرممکن است زیرا هر فردی از منظری خاص به دنیا نگاه می‌کند. به این ترتیب، پژوهشگران باید نقشی را که در پژوهش دارند بپذیرند و بر تأثیر این نقش بر نتایج به دست آمده تأمل کنند. البته گاهی این تعصب ناخودآگاه است و در آن صورت کار دشوارتر نیز می‌شود. گاهی نیز به دلایل مختلف پژوهشگر تمایل ندارد که نقش خود را در این میان بپذیرد (شاید از ترس کم‌ارزش شدن یافته‌ها). گاهی نیز ممکن است تعصب در مرحله تحلیل داده و ناخودآگاه رخ دهد. به عنوان مثال، احتمال اینکه پژوهشگر در تحلیل به دنبال شواهدی باشد که ادعای وی را تأیید می‌کند بسیار زیاد است. ممکن است بر جنبه‌هایی از متن تمرکز کنیم که فرضیه اولیه‌مان را حمایت می‌کند و آن‌هایی را که بحث‌برانگیز هستند کنار بگذاریم» (Baker, 2006:10). به این ترتیب، با استفاده از پیکره این امکان فراهم می‌شود که حجم داده‌های بیشتری مورد بررسی و تحلیل قرار گیرند، از میزان تأثیر تعصب تحلیل‌گر کاسته شود و الگوهای کلی به دست آید. در نهایت آنچه روشن است این است که در همه مراحل کار، از انتخاب داده‌ها تا تحلیل و نتیجه‌گیری نمی‌توان تأثیر تحلیل‌گر را به‌طور کامل از میان برداشت.

اجمر (Aijmer, 2007) در نقد کاربرد پیکره در تحلیل گفتمان می‌نویسد: «در کتابی مقدماتی که چگونگی کاربرد پیکره در تحلیل گفتمان را شرح می‌دهد، انتظار می‌رود که مباحث بیشتری درباره نقش پیکره در ساخته شدن گفتمان ارائه شده باشد. بیکر تنها بر گفتمان به عنوان یک پدیده اجتماعی تمرکز کرده است؛ یعنی نگاهی به گفتمان که اغلب با تحلیل گفتمان انتقادی همبسته است. هدف اصلی کتاب این است که نشان

دهد می‌توان یک تحلیل مناسب از عناصر زبان‌شناختی را با یک تعبیر اجتماعی انتقادی از این مشخصه‌ها تلفیق کرد. مطالب به گونه‌ای است که هم زبان‌شناسان پیکره‌ای و هم تحلیل‌گران گفتمان می‌توانند از آنچه در کتاب مطرح شده است، استفاده نمایند. کارآمد بودن چنین رویکرد تلفیقی را سینکلر (Sinclair, 2001: 168) نیز تأیید می‌کند: «شیوه‌ای که در آن شواهد پیکره‌ای انبوه جهت‌گیری‌های ایدئولوژیکی را نشان می‌دهند، خبر خوبی برای آن دسته از افرادی است که گرایش به میانه‌رو، عینی و واقع‌گرا بودن دارند». این کتاب همچنین یک دستنامه کاربردی و آموزشی برای زبان‌شناسانی است که از پیکره برای تحلیل گفتمان استفاده می‌کنند. در این کتاب مطالبی درخور خواندن هم در زمینه تحلیل گفتمان و هم زبان‌شناسی پیکره‌ای ارائه شده است. به عنوان نمونه، با مقدمه‌ای که در ابتدا ارائه شده است، خواننده به‌خوبی با مراحل مختلف استفاده از نرم-افزار ورداسمیت آشنا می‌شود...».

آپتون و کوهن (Upton & Cohen, 2009) امتیاز استفاده از رویکردی پیکره بنیاد در مطالعه گفتمان و تنوع واژگانی و دستوری را «تأکید بر بازنمایاننده بودن نمونه متن، و استفاده از ابزارهای رایانشی به منظور بررسی الگوهای توزیعی در بافت‌های گفتمانی» می‌دانند. یکی از نکاتی که در تحلیل گفتمان اهمیت بسزایی دارد تقطیع متن به واحدهای ساختاری در سطوح بالاتر از واژه و عبارت است؛ بنابراین، مسئله روش-شناختی اصلی که باید در تحلیل گفتمان پیکره بنیاد مورد توجه قرار گیرد، تصمیم‌گیری درباره واحد تحلیل است. به عبارتی، اولین گام در تحلیل ساختار گفتمان تعیین واحدهای گفتمانی متن است به گونه‌ای که نشان‌دهنده گزاره‌ها، موضوع یا کارکردهای ارتباطی باشد، این واحدهای گفتمانی مبنای تحلیل گفتمان قرار می‌گیرند. بدنارک (Bednark, 2009) با اشاره به اینکه می‌توان از داده‌های گفتمانی گفتاری یا نوشتاری به عنوان پیکره استفاده کرد، پیوستاری را بر مبنای حجم داده‌های زبانی ارائه داده است؛ به گونه‌ای که تحلیل می‌تواند از تحلیل یک یا چند متن، تا استفاده از پیکره‌هایی در مقیاس کوچک شامل چندین متن، یا پیکره‌هایی در مقیاس بزرگ مشتمل بر صدها هزار یا میلیون‌ها واژه متغیر باشد. این پیوستار در نمودار ۱ نشان داده شده است.



تحلیل پیکره‌ای در مقیاس بزرگ رهیافتی به تحلیل داده‌های زبانی است که از مجموعه‌های وسیعی از متون رایانشی شده (پیکره) و نرم‌افزار مناسب تحلیل آن داده‌ها استفاده می‌کند. مواد زبانی که در پیکره‌ها گنجانده می‌شود، معمولاً کم‌وبیش نمایاننده‌گونه زبانی است که پیکره برای آن طراحی شده است و به این ترتیب پیکره‌های زبانی بسیار متنوع هستند. بدنارک (Bednark, 2009) معتقد است که «امتیاز معرفت‌شناختی استفاده از این روش (تحلیل پیکره در مقیاس بزرگ) این است که داده‌ها به‌خوبی نمایاننده‌گونه زبانی هستند و از شواهد تجربی، نظام‌مند و پیچیده استفاده می‌شود. با وجود این، تعبیر این شواهد تجربی با توجه به اینکه تحلیل بر چه چیزی متمرکز است، ممکن است ذهنی و شخصی باشد. جستارها و مطالعات پیکره‌ای اغلب پایا هستند و قابل تکرار، به‌ویژه هنگامی که بر اقلام زبانی به لحاظ صوری تعریف شده، متمرکز هستند. امتیاز دیگر این است که چنین مطالعاتی می‌توانند پرده از آن دسته مشخصه‌های زبانی بردارند که دست یافتن به آن‌ها تنها با استفاده از شم زبانی یا تحلیل یک یا تعداد کمی متن ممکن نیست. از آنجایی که تمرکز زبان‌شناسی پیکره‌ای در مقیاس بزرگ بر حجم وسیعی از گفتمان‌های واقعی است، امکان مطالعه نمونه‌های متعارف، هنجارهای کمی، انگاره‌بندی‌های بین-متنی (across-text) یا درون‌متنی (intertextual) را نیز فراهم می‌آورد. نرم‌افزارهای کاربرپسند امکان استفاده از آزمون‌های آماری به منظور سنجش معناداری را فراهم می‌آورند. به این ترتیب، فرضیه‌ها را می‌توان تأیید یا رد یا تعدیل کرد و مشخصه‌های زبانی جدیدی را با استفاده از چنین پیکره‌هایی کشف کرد.

با وجود این، تحلیل حجم وسیعی از داده اشکالاتی را نیز به همراه دارد. به عنوان نمونه، پژوهشگران می‌توانند صرفاً در مورد اقلامی که به لحاظ صوری تعریف شده‌اند، پژوهش نمایند. اگر پیکره پیش‌تر برچسب‌دهی شده باشد، امکان جستارهای بیشتر (به عنوان نمونه، از منظر معناشناختی) فراهم می‌شود ولی چنین برچسب‌دهی می‌تواند زمان‌بر باشد، به‌ویژه اگر دستی یا نیمه‌خودکار انجام شود. انتقاد دیگری که بر این روش وارد است این است که در رهیافت‌های زبان‌شناسی پیکره‌ای مقوله‌های اجتماعی جنسیت و سن به عنوان متغیرهای ثابت در نظر گرفته می‌شوند و به لحاظ گفتمانی تفسیر نمی‌شوند. از منظر تحلیل گفتمان، بسیاری از مطالعات تحلیل پیکره به ماهیت پویای گفتمان، یا بافت آن یا ساختار متنی توجه نمی‌کنند. ورای توجه به همسازها، زبان‌شناسی پیکره‌ای در مقیاس بزرگ اغلب به بافت و یا کشف معنای متون نمی‌پردازد. استابز (Stubbs, 2008:5) درباره تحلیل کلیدواژه در زبان‌شناسی پیکره‌ای می‌گوید:

گوید که شکستن متن به فهرستی از واژه‌ها موجب می‌شود که تقطیع متن به واحدهای بزرگ‌تر نادیده گرفته شود» (Bednark, 2009).

کیم (Kim, 2007) در ارزیابی خود از کتاب این‌گونه می‌گوید: «در مجموع، این کتاب برای حیطة تحلیل گفتمان به‌ویژه از منظر تحلیل داده‌های زبانی می‌تواند بسیار مفید باشد. بیکر به‌خوبی نشان می‌دهد که روش‌های پیکره‌ای قابلیت ایفای نقش در مطالعات گفتمانی را دارند. روش‌های استفاده از هر یک از ابزار تحلیلی به‌طور شفاف شرح داده شده است. در عین حال، مثال‌هایی که در هر فصل ارائه شده‌اند بسیار مفید هستند و خواندن کتاب را لذت‌بخش و آموزنده می‌کند. به این ترتیب این کتاب نه‌تنها برای پژوهشگر علاقه‌مند به دو حیطة زبان‌شناسی پیکره و تحلیل گفتمان مفید است بلکه برای دانشجویان تازه‌کار نیز می‌تواند به عنوان یک خودآموز مفید واقع شود. همچنین می‌تواند یک منبع مقدماتی برای دانشجویان کلیه مقاطع در رشته زبان‌شناسی کاربردی یا برنامه‌های مشابه آن باشد».

جیاپال (Jeyapal, 2008) نیز در بخشی از ارزیابی خود از این کتاب می‌نویسد: «با این پیش‌فرض که مخاطب دانش‌پیشین چندانی در هیچ‌یک از این دو حیطة ندارد، خواننده با مقدمه‌ای از اصول بنیادی، راهبردها و فرایندهای مرتبط با پیکره و فرایندهای پیکره‌ای برای کشف الگوهای زبان‌شناختی آشنا می‌شود، مطالبی که به درک چگونگی استفاده از زبان برای ساختن گفتمان کمک می‌کنند. به این ترتیب کتاب خواننده را وادار می‌کند تا زبان را هم به عنوان یک نظام انتزاعی و هم یک نظام ارتباطی بافت-مبنا بشناسد. بیکر در این کتاب چارچوب نظری کاربردی و انعطاف‌پذیری را ارائه داده است که رویکردی متفاوت به تحلیل گفتمان است و به لحاظ روش‌شناختی رهیافتی کمی را نیز به این حیطة اضافه می‌کند».

بررسی و شرح چگونگی استفاده از پیکره در تحلیل گفتمان با کتاب کاربرد پیکره در تحلیل گفتمان آغاز نشده و به آن ختم نیز نشده است. به عنوان نمونه، فرکلاف (Fairclough, 2000)، چارتریس-بلاک (Charteris-Black, 2004) و اورپین (Orpin, 2005) نیز به این موضوع پرداخته بوده‌اند. از پژوهش‌های متأخر نیز می‌توان به ماتنر (Mautner, 2009)، وبستر (webster, 2016) و کولتارد و کولتارد (Coulthard & Coulthard, 2014) اشاره کرد. در عین حال، بیکر در همین کتاب (۲۰۰۶: ۲-۳) در تأکید بر نقش پیکره در مطالعات زبان‌شناختی می‌گوید: «زبان‌شناسی پیکره‌ای را می‌توان در حوزه‌های مختلفی از پژوهش‌های زبان‌شناسی به کار گرفت، از جمله فرهنگ‌نویسی

(Louw, 1997)، به عنوان ابزاری کمکی برای تعبیر متون ادبی (Clear, et. Al, 1996)، زبان‌شناسی قضایی (Wools and Coulthard, 1998)، توصیف زبانی (Sinclair, 1999)، مطالعات تنوع زبانی (Biber, 1988) و مواد آموزش زبان (Johns, 1997). با وجود این هدف کتاب خود را بررسی این موضوع می‌داند که چگونه زبان‌شناسی پیکره‌ای می‌تواند به تحلیل گفتمان کمک کند.

یکی از ابزارهایی که در تحلیل پیکره‌ای در کتاب بیکر نیز به کار گرفته شده است، نرم‌افزار ورداسمیت (WordSmith) است. برنامه‌های متعددی وجود دارند که زبان‌شناس پیکره‌ای را در تحلیل نظام‌مند متون گردآوری شده یاری می‌رسانند. برنامه رایانه‌ای ورداسمیت از جمله پرکاربردترین این نرم‌افزارها به شمار می‌آید. این نرم‌افزار توسط مایک اسکات (Mike Scott) ساخته شده است که خود علاقه‌مند به کشف و بررسی واژه‌هایی است که به‌طور ویژه در فرهنگ اواخر قرن بیستم حائز اهمیت شدند؛ یعنی همان زمانی که کلیدواژه‌های فرهنگی مورد توجه قرار گرفتند (Scott, 1997). به‌طور کلی ورداسمیت نرم‌افزار یکپارچه‌ای متشکل از برنامه‌هایی است که در پی یافتن رفتار واژه‌ها در متون هستند و به کاربر این امکان را می‌دهند تا از این ابزارها برای کشف چگونگی کاربرد واژه‌ها در متون خود یا دیگران استفاده کند. ورداسمیت این امکان بررسی فهرست تمام واژه‌ها یا خوشه‌های واژگانی موجود در متن را فراهم می‌آورد. این فهرست می‌تواند بر اساس الفبا و یا بسامد مرتب شود و یا کلیدواژه‌های متن استخراج شوند (Scott, 2012). مک‌انری و ویلسون (McEnery & Wilson, 2001:190) در مورد این نرم‌افزار می‌گویند: «ورداسمیت دارای امکانات بی‌نظیری برای مقایسه پیکره به‌وسیله فهرست‌های واژه‌ای است». با وجود این، به کارگیری ابزارهایی مشابه ورداسمیت برای زبان فارسی، پژوهشگر را با مشکلاتی نیز مواجه می‌سازد. عدم سازگاری کامل این نوع از نرم‌افزارها با زبان فارسی از جمله مهم‌ترین نقایصی است که پژوهشگر را در به‌کارگیری آنها دچار مشکل می‌سازد. به‌ویژه رسم‌الخط فارسی، فاصله‌ها و نیم‌فاصله‌ها، وجود واژه‌های هم‌نویس و نیز صورت‌های تصریفی مختلف یک واژه از جمله ویژگی‌هایی است که می‌تواند تحلیل را دشوار نماید. آنت کانک (AntConc) یکی از این نوع نرم‌افزارهای تحلیل پیکره‌ای می‌باشد که با وجود متن‌باز بودن و توانایی بالایی که برای تحلیل زبان انگلیسی (الفبای لاتین) دارد از زبان فارسی پشتیبانی نمی‌کند.

این رویکرد تلفیقی با دو نقد عمده مواجه می‌باشد (Baker, 2006; Kheovichai, 2014: 42). بالدری (Baldry, 2000:36) مدعی می‌شود که زبان‌شناسی پیکره‌ای با داده‌های بافت‌زدوده سروکار دارد و به این ترتیب با تحلیل گفتمان انتقادی که به بافتی که متن در آن به وجود آمده است توجه ویژه‌ای دارد، سازگاری ندارد. در همین راستا انتقاد دیگری از سوی کُلر و ماتنر (Koller & Mautner, 2004:216) مطرح شده است مبنی بر اینکه این رهیافت تنها آن قسمت از متن را مورد تحلیل قرار می‌دهد که در خطوط واژه‌نما به نمایش گذاشته می‌شود. این نوع بافت‌زدوده‌شدن متن با تأکیدی که رویکردهای مرسوم تحلیل گفتمان انتقادی در بررسی تمام متن به‌عنوان یک کل دارند نامتجانس است. انتقاد دوم به این موضوع اشاره دارد که زبان‌شناسی پیکره‌ای بر طبقه‌بندی و کمی کردن متمرکز است و همین امر موجب می‌شود که به جای واسازی (deconstruction) متن، طبقه‌بندی‌های از پیش تعیین شده بر داده‌ها تحمیل شود. این تمرکز بر طبقه‌بندی و کمی کردن در تضاد با تغییر معرفت‌شناختی علوم اجتماعی به سوی پژوهش‌های عمیق و کیفی در چارچوب پسا ساختارگرایی (post-structuralism)، برساخت‌گرایی اجتماعی (social constructionism) و پارادایم‌های واسازی می‌باشد. تونینی-بونلی (Tognini-Bonelli, 2001) مطالعات پیکره‌ای را به دو گروه رویکردهای پیکره‌بنیاد و رویکردهای مستخرج از پیکره (corpus-driven) تقسیم کرده است. رویکرد پیکره‌بنیاد شامل کاریست نظریه در تحلیل پیکره می‌باشد در حالی که رویکرد مستخرج از پیکره، تحلیل بدون پیش‌فرض نظری را مورد تأکید قرار می‌دهد و اجازه می‌دهد تا نظریه از داده‌ها به دست آید. بر اساس این نوع طبقه‌بندی، انتقاد فوق متوجه رویکرد پیکره‌بنیاد است.

۴. نتیجه‌گیری

کتاب کاربرد پیکره در تحلیل گفتمان نوشته پال بیکر بر ایجاد ارتباط بین دو حیطه در ظاهر متفاوت تحلیل گفتمان و زبان‌شناسی پیکره‌ای متمرکز می‌باشد. بیکر به‌خوبی توانسته است نشان دهد که روش‌های پیکره‌ای قابلیت به کار گرفته شدن در مطالعات تحلیل گفتمانی را دارا می‌باشند. طرح روی جلد مرتبط با موضوع و جذاب است. صفحه‌آرایی مناسب، وجود فهرست‌های تفصیلی مطالب، منابع و نمایه و ترتیب قرارگیری فصول هشتگانه این کتاب به همراه نثر سلیس و روان استفاده شده به منظور تشریح روش‌های استفاده از هر یک از ابزار تحلیلی به‌طور شفاف و در عین حال،

استفاده از مثال‌ها، تصاویر، جدول‌ها و نمودارهایی که در هر فصل ارائه شده‌اند، از جمله ویژگی‌های مثبتی هستند که خواندن کتاب را لذت‌بخش و آموزنده می‌کنند. با وجود این، ارائه یک واژه‌نامه توصیفی در پایان کتاب که اصطلاحات تخصصی مرتبط با تحلیل پیکره و تحلیل گفتمان را توضیح دهد نیز می‌توانست به کاربردی کردن هر چه بیشتر کتاب کمک نماید. از سوی دیگر جدا نبودن نمایه اسامی و نمایه موضوعی، هم‌چنین عدم ارائه اطلاعات کافی در زمینه تحلیل گفتمان، عدم تناسب در پرداختن به جزئیات غیرضروری در مقابل مفاهیم پراهمیت‌تر و عدم معرفی نرم‌افزارهای تحلیل پیکره در مبحث جدا و اشاره به نقاط قوت و ضعف آن‌ها از جمله نقاط ضعف این کتاب می‌باشند. علاوه بر این موارد، رویکرد تلفیقی به تحلیل گفتمان که در این اثر معرفی شده است نیز با موافقت‌ها و مخالفت‌هایی روبه‌رو است که مخاطب کتاب در به‌کارگیری این روش باید آن‌ها را نیز مدنظر قرار دهد. در مجموع، خواندن این کتاب می‌تواند به عنوان یک دستنامه کاربردی و آموزشی برای زبان‌شناسانی که از پیکره برای تحلیل گفتمان استفاده می‌کنند مفید باشد و می‌تواند به عنوان یک منبع مقدماتی و کتاب درسی برای دانشجویان کلیه مقاطع در رشته زبان‌شناسی کاربردی یا برنامه‌های مشابه آن مورد استفاده قرار گیرد.

منابع

- آقاگل‌زاده، فردوس. (۱۳۸۶). «تحلیل گفتمان انتقادی و ادبیات»، *ادب پژوهی*، شماره اول، ۲۷-۱۷.
- سلطانی، علی‌اصغر. (۱۳۸۷). *قدرت، گفتمان و زبان: سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران*. تهران: نی.
- قجری، حسینعلی؛ نظری، جواد. (۱۳۹۲). *کاربرد تحلیل گفتمان در تحقیقات اجتماعی*. تهران: جامعه‌شناسان.

- Aijmer, Karin (2004). "Paul Baker. *Using Corpora in Discourse Analysis*. London and Newyork: continuum, 2006", in Aijmer, K., & Altenberg, B. (Eds.). (2004). *Advances in Corpus Linguistics: Papers from the 23rd International Conference on English Language Research on Computerized Corpora (ICAME 23)*, Göteborg 22-26 May 2002 (No. 49). Rodopi.
- Baker, P. (2006). *Using corpora in discourse analysis*. Continuum Discourse Series.

- Baldry, A. (Ed.). (2000). *Multimodality and multimediality in the distance learning age: Papers in English linguistics*. Palladino editore.
- Bednarek, M. (2009). "Corpora and discourse: A three-pronged approach to analyzing linguistic data", In *Selected proceedings of the 2008 HCSNet workshop on designing the Australian National Corpus* (pp. 19-24). Somerville, MA: Cascadilla Proceedings Project.
- Biber, D. (1988). *Variation in Speech and Writing*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Burr, V. (1995), *An Introduction to Social Constructionism*. London:Routledge.
- Charteris-Black, J. (2004). "Metaphor in Financial Reporting". In *Corpus Approaches to Critical Metaphor Analysis* (pp. 135-169). Palgrave Macmillan UK.
- Charteris-Black, J. (2004). *Corpus approaches to critical metaphor analysis*. Palgrave-MacMillan.
- Clear, J., Fox, G., Francis, G., Krishnamurthy, R. and Moon, R. (1996). "Cobuild: the state of the art". *International Journal of Corpus Linguistics*, 1,303-14.
- Coulthard, M., & Coulthard, M. (2014). *An introduction to discourse analysis*. Routledge.
- Fairclough, N. (1989). *Language and power*. London and New York: Longman.
- Fairclough, Norman. (2000). *New labour, new language?*. London: Routledge.
- Fowler, R. ,and Kress, G. (1979). "Critical Linguistics", In R. Fowler, B. Hodge, G. Kress and T. Trew (eds) *Language and Control*. London, Boston, Henley: Routledge and Kegan Paul. 185–213.
- Harris, Z. (1952). "Discourse Analysis", *Language*, 28, 1-80.
- Hymes, D. (1974). *Foundations in Sociolinguistics*. Philadelphia: University of Pennsylvania Press.
- Jeyapal, D. (2008). Book review: PAUL BAKER, *Using Corpora in Discourse Analysis*. London: Continuum Discourse Series, 2006, 198 pp. *Discourse Studies*, 10(2), 271-273. Stable URL: <http://www.jstor.org/stable/24049412> Accessed: 03-09-2016 12:47 UTC.

- Johns, T. (1997). "Contexts: the Background, Development and Mailing of a Concordance-based CALL Program" in A. Wichmann, S. Fligelstone, McEnery, T. and Knowles, G. (eds.) *Teaching and Language Corpora*, London: Longman, 100-15.
- Kheovichai, B. (2014). Marketization in the language of UK university recruitment: A critical discourse analysis and corpus comparison of university and finance industry job advertisements. Doctoral dissertation, Department of English, University of Birmingham.
- Kim, Y. (2007). Paul Baker: *Using Corpora in Discourse Analysis*. Continuum, 2006. *Applied linguistics*, 28(2), 327-330.
- Koller, V., & Mautner, G. (2004). "Computer applications in critical discourse analysis". In K. O'Halloran, C. Coffin, & A. Hewings (Eds.), *Applying English grammar: Functional and corpus approaches*. London: Hodder Arnold.
- Louw, B. (1997), "The Role of Corpora in Critical Literary Appreciation" in A. Wichmann, S. Fligelstone, McEnery, T. and Knowles, G. (eds.) *Teaching and Language Corpora*, London: Longman, 140-251.
- Mautner, G. (2008). Analyzing newspapers, magazines and other print media. *Qualitative discourse analysis in the social sciences*, 30-53.
- Mautner, G. (2009). "Checks and balances: how corpus linguistics can contribute to CDA". Ruth Wodak, Michael Meyer, eds. *Methods of Critical Discourse Analysis*. London: Sage, 122-144.
- McEnery, T., & Wilson, A. (2001). *Corpus linguistics: An introduction*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Orpin, D. (2005). "Corpus linguistics and critical discourse analysis: Examining the ideology of sleaze". *International Journal of Corpus Linguistics*, 10(1), 37-61.
- Schiffrin, D. (1994). *Approaches to discourse*. Oxford: Basil Blackwell.
- Scott, M. (1997). "PC analysis of key words—and key key words". *System*, 25(2), 233-245.
- Scott, M. (2012). WordSmith Tools version 6, Stroud: Lexical Analysis Software.
- Sinclair, J. (2001). "A tool for text explication". *Gothenburg studies in English*, (81), 163-176.

- Sinclair, J. M. (1999), "A way with common words", in H. Hasselgard and S. Oksefjell (eds) *Out of Corpora: Studies in Honour of Stig Johnsson*. Amsterdam: Rodopi. 157-79.
- Stubbs, M. (1983). *Discourse analysis*. Oxford: Basil Blackwell
- Stubbs, M. (2010). "Three concepts of keywords". *Keyness in texts*, 21-42.
- Tognini-Bonelli, E. (2001), *Corpus Linguistics at Work* (Studies in Corpus Linguistics: 6). Amsterdam/Atlanta, GA: John Benjamins.
- Upton, T. A., & Cohen, M. A. (2009). "An approach to corpus-based discourse analysis: The move analysis as example". *Discourse Studies*, 11(5), 585-605.
- Webster, L. (2016). "A New Level": A corpus-based method for the critical discourse analysis of transgender self-identification via social media. *Critical Approaches to Discourse Analysis Across Disciplines*.
- Woolls, D., & Coulthard, M. (1998). "Tools for the trade". *Forensic linguistics*, 5, 33-57.